



تبیین ناکامی نهضت آزادی در انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی

حسین ارجمینی^۱

عیسی مولوی وردنجانی^۲

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مهم‌ترین مسئله پیش روی رهبران انقلاب، ساز و کارهای اجرایی و حکومتی بود. در این میان هر یک از گروه‌ها و جریان‌های دخیل در انقلاب بیشترین تلاش خود را در تصاحب حداکثری مناصب حکومتی قرار داده بودند. نهضت آزادی نیز مانند سایر گروه‌ها مترصد فرصتی برای به دست آوردن سهم حداکثری در نظام جمهوری اسلامی بود که عرصه انتخابات برای این سهم‌خواهی فضای مناسبی را فراهم می‌ساخت؛ با توجه به اینکه انتخابات در هر یک از قوای مجریه و مقننه، در واقع جهت و مسیر حرکت نظام را مدیریت می‌کند و در افکار ملت و اهداف انقلاب نیز باعث ایجاد تحولاتی می‌گردد پرداختن به فعالیت جریان‌ها در انتخابات ضروری است.

۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی

پرسش اصلی پژوهش پیش رو این است که عملکرد نهضت آزادی در سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در هنگام برگزاری انتخابات چگونه بوده است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که این طیف در زمانی تأکید بر تحریم و نامشروع خواندن انتخابات کرده‌اند؛ گاهی سعی در نفوذ و به دست‌گیری ارکان حکومت داشته‌اند و گاهی نیز به تخریب و براندازی نظام پرداخته‌اند؛ که هر کدام از این رویکردها را در برهه‌ای از دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری علیه نظام به کار برده‌اند که مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: انتخابات، نهضت آزادی، انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌ها.

مقدمه

با روی کار آمدن دولت موقت ۱۱ نفر از اعضای نهضت آزادی در پست‌های مختلف مشغول به کار شدند که شامل ۳۶ درصد از کل اعضای دولت موقت بود. این ورود پر حجم نهضت آزادی‌ها به ارکان اساسی حکومت نوپای جمهوری اسلامی باعث شد تا آنها بر عملکرد دولت موقت اثرگذار باشند که مخالفت‌های جدی را از سوی رهبران انقلاب و مردم به دنبال داشت. اختلافاتی که میان نهادهای انقلابی با دولت موقت مخصوصاً در جریان تسخیر لانه جاسوسی ایجاد شد باعث استعفای دولت موقت و نمایان شدن ماهیت اصلی این جریان گردید.

پس از تصویب قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری، تجلی گاه منازعه‌های سیاسی قرار گرفت. رقابت اصلی بین حزب جمهوری اسلامی و مخالفان پرشمار، ولی پراکنده بود. جلال‌الدین فارسی، بنی‌صدر، دریادار مدنی و مسعود رجوی از کاندیداهای مشهور این دوره بودند. در این میان رقابت اصلی میان بنی‌صدر و فارسی شکل گرفت. نهضت آزادی که وامانده از قدرت بود برای بقای حیات سیاسی خود در انتخابات ریاست جمهوری به حمایت از بنی‌صدر پرداخت. پس از این انتخابات و روی کار آمدن بنی‌صدر، امید نهضت آزادی برای بازگشت به ارکان قدرت زنده شد و منجر به ورود این جریان به مجلس اول در اسفند ۱۳۵۸ بود.

نهضت آزادی که خود را در ورطه نابودی می‌دید و از طرفی مدعی قدرت در نظام بود نامزدهایی در این انتخابات معرفی کرد و توانست کرسی‌های اندکی را به خود اختصاص دهد و با ائتلاف سایر گروه‌های اپوزیسیون، فراکسیون اقلیت را در مجلس تشکیل دهد.

بیان مسئله

سقوط دولت موقت، نهضت آزادی را از صحنه قدرت اجرایی دور کرد؛ اما همچنان این تشکل به عنوان یک جریان فکری مؤثر در تحولات نظام جمهوری اسلامی باقی ماند. در سال‌های بعد از برکناری دولت موقت، تضاد بین این جریان فکری با دیگر نیروهای اسلام‌گرا تشدید شد. نهضت آزادی با تکیه بر برداشته‌های غلط از ایدئولوژی انقلاب اسلامی، نه تنها با مسئله انتخابات بلکه با نظام جمهوری اسلامی به مخالفت برخاست و با تکیه بر اصولی همچون نفی حاکمیت در نظام، نبود آزادی و انحصاری بودن انتخابات به مواجعه با نظام برآمد. از عرصه‌هایی که این مواجعه را به خوبی نمایان می‌ساخت فضای انتخابات بود؛ به این خاطر نهضت آزادی از فضای به دست آمده از انتخابات برای پیشبرد اهداف و مقاصد باطل خود نهایت بهره را برد. این جریان در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌های سازمان‌یافته زیادی را برای ناکارآمد خواندن و نامشروع جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی و در نهایت به زانو درآوردن این نظام به کار بست. بر این اساس تحلیل سیاست‌های نهضت آزادی در حوزه انتخابات و نحوه موضع‌گیری و ائتلاف‌هایی که نهضت آزادی در روند انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در سه دهه اخیر انقلاب انجام داده حائز اهمیت است و به این جهت مهم‌ترین مسئله‌ای است که این پژوهش به آن پرداخته است.

ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه پژوهش و تحقیقی در مورد فعالیت نهضت آزادی در انتخابات انجام نشده و به خاطر اهمیت تاریخ معاصر ایران، هدف از این پژوهش، آشنایی نسل کنونی با تحولات و ایجاد چالش‌های پیش روی نظام در انتخابات است، به این جهت در این پژوهش سعی شده است اولاً عملکرد نهضت آزادی در هر دوره از انتخابات و نحوه رفتار سیاسی این جریان بیان شود. ثانیاً میزان تعامل دولت مردان و رهبران نظام با جریان اپوزیسیون به خواننده ارائه گردد. ثالثاً به توانایی‌های سران نظام جهت عبور از بحران‌های ناشی از انتخابات و فتنه‌های ایجاد شده توسط این جریان اشاره شود تا هوشیاری مسئولان نظام در رفع فتنه‌ها و چالش‌های کشور را نشان دهد که امید است مورد اقبال اصحاب قلم، اساتید و پژوهشگران قرار گیرد و خدمتی به جامعه علمی و فرهنگی کشور باشد.





فرضیه تحقیق

با توجه به ماهیت نهضت آزادی و اپوزیسیون داخل و خارج از کشور، اندیشه دینی برآمده از این انقلاب می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای تفکر و منش سیاسی این طیف از جریان‌ها قرار گیرد که به نظر می‌رسد رهبران نهضت آزادی پس از کنار زده شدن از قدرت، به خاطر اینکه دچار مرگ سیاسی نشوند با تأکید بر آزادی و انحصاری بودن انتخابات با سایر گروه‌ها و احزاب سیاسی ائتلاف نمودند؛ تا به وسیله این تعامل، در حاکمیت آینده بتوانند اصول سیاسی خود را به اجرا در آورند؛ و از پیشرفت اهداف و سیاست‌های راهبردی انقلاب اسلامی جلوگیری نمایند.

به نظر می‌رسد نهضت آزادی بیشترین مشکل را به هنگام انتخابات برای نظام در قالب طرح انحصاری بودن انتخابات و نبود آزادی انتخاباتی، به وجود آورده است که تنها توانسته رسانه‌های بیگانه را تغذیه نماید.

روش تحقیق

با توجه به اینکه مقاله حاضر ریشه تاریخی دارد، تکنیک جمع‌آوری اطلاعات به شیوه «اسنادی و تاریخی» خواهد بود؛ یعنی با مراجعه به اسناد دست اول، کتب، مدارک معتبر تاریخی، روزنامه‌ها و بیانیه‌های مربوط به این جریان، مطالب مورد نظر استخراج می‌شود؛ که با توجه به این داده‌های تاریخی، در دو سطح «توصیف» و «تبیین»، تحلیل وقایع تاریخی امکان‌پذیر می‌گردد؛ بنابراین در این مقاله، روش تحلیل پژوهش، کیفی و مبتنی بر داده‌ها و شواهد تاریخی است.

چهار چوب نظری

نهضت آزادی ایران از جمله احزاب و گروه‌هایی است که به جهت درآمیختن ارزش‌های اسلامی با مبانی و فرهنگ غربی و ایجاد نوعی اصلاح‌طلبی شبه‌مذهبی در ایران خود را به عنوان یک جریان فکری مؤثر در تحولات انقلاب معرفی می‌نماید که از این حیث شایسته نقد و بررسی است. این جریان در حقیقت نمونه بارز و سردمدار گروه‌ها و سازمان‌های مذهبی است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به وجود آمدند. شکست فکری و سیاسی نهضت آزادی و اندیشمندان و سیاستمداران آن در برابر آرمان‌خواهی مردم مسلمان ایران در انقلاب، نشان از عدم موفقیت اندیشه و تفکر این جریان در میان مؤمنان استوار و معتقدی است که بار سنگین مشکلات و بحران‌های انقلاب را به

نهضت آزادی با تکیه بر برداشت‌های غلط از ایدئولوژی انقلاب اسلامی، نه تنها با مسئله انتخابات بلکه با نظام جمهوری اسلامی به مخالفت برخاست و با تکیه بر اصولی همچون نفی حاکمیت در نظام، نبود آزادی و انحصاری بودن انتخابات به مواجهه با نظام برآمد

دوش کشیده و بر این نکته پای فشرده‌اند که ایران اسلامی ره‌آوردهای فکری غرب را بر نمی‌تابد و از اصول و مبانی اعتقادی خود عدول نمی‌کند. مهندس بازرگان به عنوان ایدئولوگ نهضت آزادی همواره نه تنها به دیده احترام، بلکه با دل‌بستگی و اشتیاق، به غرب و اندیشه‌های غربیان می‌نگریست و به این جهت تلاش داشت اصول و مبانی فرهنگ اسلامی را به هر وسیله ممکن با تفکر و اندیشه غربی منطبق سازد. غرب‌گرایی

نهضت آزادی به جلوه‌ها و سطوح روبنایی محدود نمی‌شود؛ بلکه تا آنجا پیش می‌رود که آرمان‌ها و مقاصد پیامبران الهی را با اهداف و آرمان‌های انسان غربی و اندیشه اومانیسم یکسان می‌بیند و دستاوردهای کنونی بشریت، در قالب تکنولوژی و تحول علوم را در همان هدف مورد نظر انبیا می‌داند.^۱

لازم به ذکر است که در همان دورانی که بازرگان محو پیشرفت غرب شده بود و اصول و مبانی اعتقادی نهضت آزادی را در کتاب *راه طی شده* پایه‌ریزی می‌کرد و به تمجید از اروپا می‌پرداخت امام خمینی در کتاب *کشف/سرار* چهره زشت و پلید غرب را در لباس تمدن جدید و تکنولوژی پیشرفته و فرهنگ نو بر ملا می‌نمود. ایشان می‌فرماید:

آنچه در اروپاست جز دیکتاتوری‌ها و خودسری‌ها نیست. اروپا به کجا رسیده تا ما قانون او را با قانون خود تطبیق دهیم؟ زندگی امروز اروپا از بدترین زندگی‌هاست که با هیچ قانونی نمی‌توان آن را وفق داد لکن شما بیچاره‌های ضعیف‌العقل یکسره خود را در مقابل آنها باخته به طوری که قانون خود را نیز فراموش کردید.^۲

تفاوت این دو بینش کاملاً مشهود و بارز بود؛ یکی بینش غرب را به مثابه دین می‌نگرد و دیگری آن را جز دیکتاتوری و خودسری ندانسته، یکی خودباخته است و راه خودباختگی طی می‌کند و دیگری طلایه‌دار نهضت بازگشت به خویشستن و احیای روح استقلال و خودباوری است. در چهارچوب فکری نهضت آزادی نوعی تقابل با انقلاب اسلامی نهفته است؛ تقابلی که از نوع اندیشه غرب‌گرایانه نهضت آزادی با تفکر و اندیشه

۱. مهدی بازرگان، *راه طی شده*، تهران، انتشار، ۱۳۴۲، ص ۱۹.
۲. روح‌الله خمینی، *کشف/سرار*، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۷۲.



برخاسته از اسلام شیعی است. این اندیشه گرچه در قبل از انقلاب در کتب ایدئولوگ نهضت آزادی وجود داشت اما بعد از انقلاب با روی کار آمدن دولت موقت و رخداد‌های بعد از آن، اندیشه نهضت آزادی را از حالت تئوری به صورت عملی در معرض دید تمام مردم ایران قرار داد.

در واقع اندیشه نهضت آزادی در مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر دو محور متمرکز گردید:

الف: طرح جدایی دین از سیاست که به صورت هسته تئوریک آراء نهضت آزادی قرار می‌گیرد؛ که از لوازم آن مخالفت با تفکر اصیل اسلامی و نمایندگان و سخنگویان آن یعنی روحانیت است. به همین جهت اندیشه روحانیت‌ستیزی، یکی از اصلی‌ترین اهداف سیاسی منورالفکران غرب‌زده ایرانی از صدر مشروطه تا امروز، توسط نهضت آزادی مطرح گردید تا بتوانند به نوعی مبانی انقلاب اسلامی را تضعیف نمایند. باید بیان داشت بروز روحانیت‌ستیزی امری است که تماماً با مبانی و مقاصد آرای نهضت آزادی هم‌خوانی دارد.

البته در اساسنامه نهضت آزادی در اوائل دهه ۱۳۴۰ آمده است: دین را از سیاست جدا نمی‌دانیم؛ یا در جنبش روحانیت در سال ۱۳۴۱ به دفاع از روحانیت می‌پردازد و همچنین در قیام خرداد ۱۳۴۲ اعلامیه‌ای با نام «دیکتاتور خون می‌ریزد» صادر می‌نماید و همچنین پس از انقلاب در انتصاب آقای بازرگان به عنوان رئیس دولت موقت، معتقد می‌گردد که این انتصاب بر اساس اختیار مشروع حضرت امام است؛ اما باید توجه داشت که چنین بیاناتی در کنار سایر اعلامیه‌ها و فعالیت‌های نهضت آزادی تنها بیانگر آنست که این جریان به اقتضای شرایط، بر موج حرکت انقلابی مردم سوار شده و از منافع آن بهره‌مند می‌شده و در زمانی که خطر تهدیدش می‌کرد شعار اعتقاد به اعلامیه حقوق بشر و سلطنت شاه را سر می‌داد.

ب: ترویج مفهوم آزادی لیبرالی تحت عنوان کلی آزادی خواهی؛ این اصل به صورت شعار سیاسی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی بروز کرد و هدفش ایجاد تشمت و هرج و مرج عمومی و حاکم گرداندن الگوی پلورالیستی - لیبرالیستی غربی در عمل، به جای معیارها و موازین دینی در اداره جامعه بوده است؛ که در نهایت اعتقاد به تساهل و سیاست گام به گام را به دنبال داشت. غایت این دو مبنای اعتقادی - سیاسی نفی حکومت اصیل اسلامی بود. برای نمونه می‌توان در تعیین نظام برآمده از انقلاب اشاره کرد که رهبر نهضت آزادی یعنی بازرگان مدل حکومت مطلوب خود را بر اساس طرح



کلی به نام مدیریت علمی در مقابل مدیریت بر خاسته از اندیشه دینی بیان می‌کند. در این راستا به مسخ مبانی سیاسی دینی می‌پردازد و اعتقادی به جمهوری اسلامی بدون قید دموکراتیک نداشته و به جمهوری دموکراتیک اسلامی تأکید می‌ورزد.^۱

این دو محور اصلی اندیشه نهضت آزادی نشان می‌دهد که تلاش نهضت آزادی و هدف نهایی آنها چیزی جز قداست‌زدایی و دنیوی کردن امور و پذیرفتن قرائت‌های غیر دینی نیست. نهضت آزادی به حکم اندیشه التقاطی به دفاع از دموکراسی به عنوان مابعدالطبیعه‌ای برای نظام سیاسی اسلام می‌پردازد. در حالی که دموکراسی از پایه و اساس و مبنای نظری، خلاف بینش دینی و اصول انقلاب اسلامی است.

چنین برداشتی ساده‌ترین نوع تأویل حکومت اسلامی، برای القای دینی بودن الگوی لیبرالیسم غربی و همساز بودن آن با آموزه‌های قرآن است که البته نشان از فقدان تفکر و ضعف تئوریک نهضت آزادی در فهم تفاوت نظام سیاسی اسلام با نظام‌های سیاسی غرب دارد.

حکومت دموکراتیک دینی مطلوب نهضت آزادی بر مبنای عقل جمعی بشر و فهم سیال از دین و تکیه بر حقوق بشر شکل می‌گیرد که با تمسک به دستاوردهای علمی غرب بر آن پای فشاری می‌کردند؛ چرا که حاوی مبانی سکولار خویش، یعنی تز جدایی دین از سیاست و اسلام منهای روحانیت بود؛ که علتی جز تأثیرپذیری و توشه‌گیری زائدالوصف و بادوام این جریان از آموزه‌های تمدن غرب نداشت.^۲

نهضت آزادی با شعار نوگرایی دینی، حرکتی را بنیان‌گذاری کردند تا به وسیله تصرف کامل صحنه سیاست، جامعه را به سوی سکولاریسم سوق دهند. عمده تلاش آنها به دست آوردن حاکمیت در انتخابات و ایجاد انقلابی مسالمت‌آمیز در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

این جریان گرچه بر اساس جامعه مدنی اعلام می‌کردند شهروندان بدون هیچ حد و مرزی می‌توانند در امور حکومتی جعل قانون نموده و بر مبنای دموکراسی به تنظیم آن بپردازند، اما تنها مفهوم غربی و تکثرگرایی آن را مدنظر قرار داده بودند.

از مفاهیم برجسته‌ای که نهضت آزادی بر آن تأکید می‌ورزد قانون‌مداری است، اگرچه این تشکل بر نهادینه کردن قانون‌مداری، پرهیز از رفتارهای سلیقه‌ای و احیای اصول ترک‌شده قانون اساسی تأکید داشت، اما اعتقاد داشتند که قانون و حقوق را در ایران

۱. مهدی بازرگان، *بازیابی ارزش‌ها*، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۶۴، ص ۴۰۹-۴۰۸.

۲. مهدی بازرگان، *مجموعه آثار علمی/اسلامی مهندس مهدی بازرگان*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷،

شکست فکری و سیاسی نهضت آزادی و اندیشمندان و سیاستمداران آن در برابر آرمان خواهی مردم مسلمان ایران در انقلاب، نشان از عدم موفقیت اندیشه و تفکر این جریان در میان مؤمنان استوار و معتقدی است که بار سنگین مشکلات و بحران‌های انقلاب را به دوش کشیده و بر این نکته پای فشرده‌اند که ایران اسلامی ره‌آوردهای فکری غرب را بر نمی‌تابد و از اصول و مبانی اعتقادی خود عدول نمی‌کند

باید کنار گذاشت و به قدرت و عملکرد نیروهای سیاسی و اجتماعی به عنوان قانون نگاه کرد. به این خاطر پس از نامید شدن از استحاله نظام در دوران دولت موقت با شعار قانون‌مداری به دنبال چالش‌آفرینی برای نظام و حتی تحریک مردم برای انقلابی دیگر شدند و استدلالشان این بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی منطبق با مبانی حقوق بشر جهانی نیست.^۱

اما فارغ از بررسی ریشه‌ای‌گرایی‌های فکری نهضت آزادی می‌توان بیان داشت این جریان با تمام فراز و فرودش به حیات خود ادامه داده و جدای از قضاوت‌های ارزش‌محور، نمی‌توان نقش آنها را در تحولات معاصر کشور نادیده گرفت؛ به طوری که تاریخ‌نگاری این مقطع بدون بررسی این تشکل کامل نمی‌باشد. به این جهت بررسی این جریان در عرصه‌های مختلف کمک شایانی به تحلیل صحیح مسائل ایران به خصوص آسیب‌شناسی در کشور را به همراه خواهد داشت. بر این اساس هدف نهضت آزادی در دهه ۱۳۶۰ با ارایه و تأکید بر مبانی خود، ایجاد فضایی جهت تحرک بخشیدن به نیروهای منفعل و منزوی ضد انقلاب و خارج کردن کنترل میدان حیات اجتماعی از اختیار نیروهای انقلاب بوده است؛ که در این راستا از فضای ملت‌پسندانه انتخاباتی که حساسیت خاص خود را به همراه دارد بیشترین بهره را برده‌اند.

الف. عملکرد نهضت آزادی در انتخابات در دهه اول پس از پیروزی انقلاب

پس از تثبیت قانون اساسی، مرحله تأسیس و شکل‌گیری مجلس، به عنوان مهم‌ترین رکن ساختار سیاسی کشور، در دستور کار سران انقلاب قرار گرفت؛ و انتخابات در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ انجام شد. نهضت آزادی با ۲۰ نماینده که شامل مهندس بازرگان و همفکرانش، از قبیل دکتر یزدی، علی‌اکبر معین‌فر، هاشم صباغیان، احمد صدر حاج سید جوادی، مهندس سحابی، کاظم سامی و... می‌شد، فراکسیون اقلیت دوره

۱. حسن یوسفی اشکوری، عصر آزادگان، ۱۳۷۹/۱/۱۵.



اول مجلس را تشکیل دادند.^۱ و در مسائلی چون انتخاب نخست‌وزیر، حل مسئله گروگان‌گیری در تسخیر سفارت آمریکا، جریان طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور و... راه خود را از جریان انقلابی در کشور جدا کرده و به کارشکنی در این امور پرداختند؛^۲ به گونه‌ای که حضرت امام سرکرده منافقین «مسعود رجوی» را به دلیل تحریم همه‌پرسی قانون اساسی، از شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی محروم می‌کند. نهضت آزادی در بیانیه‌ای می‌نویسد:

برای تأمین وحدت و حقوق گروه‌های اقلیت، امیدوارم آقای مسعود رجوی که معرف جناح پرشور از جوانان با ایمان می‌باشد به مجلس راه یافته و موفق به همکاری صادقانه با گروه‌های با حسن نیت از طریق خدمت به خدا و خلق بشود.^۳

پس از مجلس اول در سال ۱۳۵۸ که ماهیت لیبرالی نهضت آزادی به خوبی نمایان شد، انتخابات مجلس دوم در سال ۱۳۶۲ برای آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا عدم توفیق در این انتخابات عمر سیاسی نهضت آزادی را در ارکان اساسی جمهوری اسلامی به پایان می‌رساند و آنها خود، واقف به این مهم بودند. به این جهت دست به اقداماتی زدند به گونه‌ای که اگر نتوانند جایگاهی در بین توده مردم پیدا کنند حداقل توجه اپوزیسیون داخلی و خارجی نظام را به خود منعطف سازند؛ اما این اقدامات تنها خوراک رسانه‌های بیگانه را در آستانه دومین انتخابات مجلس فراهم آورد.

۱. توطئه سمینار تأمین آزادی انتخابات و تحریم انتخابات ۱۳۶۲

نهضت آزادی برای خدشه‌دار کردن انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ در یک آگهی به مردم اعلام نمود «از جناب عالی دعوت می‌شود در سمینار تأمین آزادی انتخابات که در روز جمعه برگزار می‌شود شرکت فرمایید.»^۴ این تشکل که قصد برگزاری میتینگ را داشت، بدون اجازه از وزارت کشور، اعلامیه سمینار را پخش نمود تا این وزارت را در مقابل عمل انجام‌شده‌ای قرار دهد؛ اما کمیته انقلاب از پخش اعلامیه‌ها جلوگیری کرد. نهضت آزادی با ترفندی جهت تحریک مردم علیه وزارت کشور در

۱. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، *پس از بحران؛ کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۱*، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰، ص ۹۸.

۲. *روابط عمومی مجلس شورای اسلامی؛ نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی*، تهران، آشتیانی، ۱۳۶۳، جلسه ۴۷-۴۵.

۳. *کیهان*، ۱۳۵۹/۲/۱۶، «حمایت مهدی بازرگان از رجوی»، ش ۱۰۹۸۹.

۴. نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲/۸/۳، آگهی دعوت برای سمینار تأمین آزادی انتخابات.

پلاکاردی وزارت کشور را متهم به ممانعت از اجرای این سمینار نمود.^۱ وزارت کشور چنین میتینگی را منحرف کردن ذهن مردم از مسئله اصلی کشور، یعنی جنگ تلقی می‌کرد و به علت سابقه بدی که این طیف در بین مردم داشته و خطر درگیری بین انقلابیون با این گروه بود اجازه برگزاری میتینگ را نداد.^۲ منظور نهضت آزادی از تأمین آزادی انتخابات به این معنی بود که آزادی برای انتخابات وجود ندارد و آنها می‌خواهند آزادی را تأمین نمایند. به عبارتی اعلامیه نهضت آزادی، تلاش برای بی‌اعتبار کردن انتخابات آینده بود؛ البته جریان نهضت آزادی چون در میدان سیاست گرفتار مرگ سیاسی شده بود به نحوی می‌خواست خودش را در انتخابات آینده مطرح و به طریقی احیای موات کند؛ اما به دلیل بیداری ملت این عمل نشدنی بود. این توطئه با حضور مردم در صحنه، در حالی که شعار می‌دادند «این لانه جاسوسی دوم است و باید اشغال شود» از بین رفت. البته عامل تحریک مردم، متن اعلامیه بود که به نظام جمهوری اسلامی توهین کرده بود. چرا که عده‌ای به بهانه نبود آزادی در انتخابات، سمینار تشکیل می‌دهند در حالی که حضرت امام تأکید می‌کند در انتخابات آزادی وجود دارد.^۳

به دنبال این جریان، نهضت آزادی دست به تبلیغات، برای مخدوش کردن چهره نظام زد و ادعا نمود شعارها و اشعاری که مهاجمین در مقابل دفتر نهضت آزادی سر می‌دادند، مشخص می‌کرد این حمله یک طرح از پیش تعیین شده علیه نهضت آزادی بوده است.^۴ هاشم صباغیان نیز در نطق قبل از دستور می‌گوید:

اهانت و حمله به جمعیتی {نهضت آزادی} که مشروعیت مجلس آینده را در گرو انتخابات آزاد می‌دانند به سرنوشت همه آنان که به استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی دل بسته‌اند مربوط می‌شود و مردم باید بدانند که این‌ها {مسئولان نظام} بر سر آزادی و جمهوری اسلامی چه آورده‌اند.^۵

به دنبال این بیانات، صباغیان آزادی در انتخابات و به تبع آن آزادی در کشور را به طور

۱. همان، ۱۳۶۲/۸/۱۱.

۲. داود علی بابایی، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت (از بازرگان تا خاتمی)، تهران، امید فردا، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۲۸.

۳. همان، ج ۹، ص ۱۳۲-۱۳۱.

۴. نهضت آزادی ایران، سرگذشت تأسّف بار سمینار تأمین آزادی انتخابات، تهران، دفتر نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲، ص ۳۲-۳۱.

۵. همان، ص ۵۶.



کلی زیر سؤال می‌برد و انتخابات را تحریم می‌کند.^۱ در این بحبوحه نهضت آزادی در یک حرکت رو به جلو نامه‌ای سرگشاده به امام خمینی (ره) می‌نویسد که مصلحت مملکت و آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی اقتضا نمی‌کرد چنین رفتار خلاف اسلام و قانون انسانیت با ما انجام گیرد تا به دنیا اثبات شود در ایران آزادی و امنیت وجود ندارد.^۲

این تشکل، آزادی را موهبتی الهی می‌داند که امروزه در انحصار مسئولان نظام قرار گرفته است. حتی در مجلس شورای اسلامی نمایندگان مخالف، نه تنها امنیت ندارند؛ بلکه با هجمه‌ای از فحش و ناسزا و تهدید به مرگ، روبه‌رو هستند و عملاً قادر به بیان نظریات خود نیستند به همین خاطر مجبور به سکوت شده‌اند.^۳

باید اذعان داشت ترنند «سمینار تأمین آزادی انتخابات» یک امر حساب‌شده‌ای بود که به وسیله آن علاوه بر مخدوش کردن انتخابات و در حاشیه قرار دادن مسئله جنگ قصد داشت نظام را نیز زیر سؤال ببرد؛ ولی عملاً در رسیدن به این اهداف با شکست مواجه شد.

هدف نهضت آزادی از چنین اقداماتی در آستانه دومین انتخابات مجلس، همانند دیگر جناح‌های واژه و سرخورده و ناامید از استقبال مردم چیزی جز اعتبارسنجی خود و در کنار آن، با ایجاد جو مسموم تبلیغاتی، در صدد روزنه‌ای برای ورود مجدد به صحنه سیاسی کشور بود. برای این مقاصد، دست به اقداماتی زدند که نه تنها به اهداف مورد نظر خود نرسیده بلکه نتیجه‌اش ایجاد خوراک برای رادیوهای بیگانه بود؛ تا اعلام نمایند آزادی حتی برای یک سمینار در جمهوری اسلامی وجود ندارد.

۲. انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۶۴

نهضت آزادی پس از ناکامی در انتخابات مجلس دوم چه از دست‌یابی به اهداف طرح‌ریزی‌شده در دوره تبلیغات و چه در راه‌یابی به مجلس، برای اعاده حیثیت سیاسی‌اش، انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۶۴ را در کانون توجه خود قرار داد. این انتخابات متأثر از حوادث دوران جنگ بود چراکه در سال ۱۳۶۳ جنگ موشکی به شهرها نیز آغاز شد. نهضت آزادی این اوضاع کشور را برای بهره‌برداری سیاسی خود مغتنم شمرده و بیانیه‌ای را به این مضمون صادر می‌کند که «مسئله جنگ، برای ملت ایران

۱. کیهان، ۱۳۶۲/۸/۱۴، «سخنان هاشمی رفسنجانی در مراسم عبادی-سیاسی نماز جمعه در دانشگاه تهران»، ش ۱۲۰۰۶.

۲. نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱/۸/۹، نامه سرگشاده به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران.

۳. نهضت آزادی ایران، تیرماه ۱۳۶۲، آزادی در جامعه ما، نامه‌ای به رئیس‌جمهور، ص ۴-۲.

در همان دورانی که بازرگان محو پیشرفت غرب شده بود و اصول و مبانی اعتقادی نهضت آزادی را در کتاب *راه طی شده* پایه‌ریزی می‌کرد و به تمجید از اروپا می‌پرداخت امام خمینی در کتاب *کشف‌السرار* چهره زشت و پلید غرب را در لباس تمدن جدید و تکنولوژی پیشرفته و فرهنگ نو بر ملا می‌نمود

به صورت فاجعه روزمره درآمده و مردم متأسفانه بیش از پیش نسبت به مسئله انتخابات بی تفاوت می‌باشند»^۱. از این رو پیشنهاد عقب انداختن موعد انتخابات را به شورای نگهبان می‌دهند؛ اما در تغییر زمان انتخابات موفق نمی‌شوند؛ به ناچار مجدداً بحث تأمین آزادی انتخابات را مطرح کرده و در نامه‌ای به حضرت امام، حداقل شرایط تحقق و تأمین آزادی در انتخابات را آزادی مطبوعات، اجتماعات و رسانه‌های گروهی از جمله صدا و سیما دانستند.^۲

در چهارمین دوره انتخابات ریاست جمهوری از نهضت آزادی مهندس بازرگان، ابراهیم یزدی، احمد صدر حاج سیدجوادی نامزد شدند.^۳ شورای نگهبان مهندس بازرگان و سایر نامزدهای این جریان را به دلیل حمایت از امیرانتظام که به اتهام جاسوسی برای بیگانگان در زندان به سر می‌برد رد صلاحیت کرد.^۴ نهضت آزادی در مواجهه با چنین عملی از سوی شورای نگهبان با صدور بیانیه‌ای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را تحریم نمود.^۵ بازرگان نیز در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۶۴ طی اطلاعیه‌ای با عنوان «پیام امتنان و امید»، خطاب به مردم می‌گوید شورای نگهبان با این رد صلاحیت در واقع اختیار و انتخاب کردن و حق حاکمیت را از مردم سلب نموده است. نتیجه این عمل تبلیغات وسیع و دامنه‌دار رسانه‌های خارجی درباره ادعای عدم آزادی انتخابات در ایران بود.^۶

نهضت آزادی در این دوره از انتخابات، مردم را به قیام علیه نظام دعوت می‌کرد و از اینکه آزادی نسبی در میان موافقین نظام وجود دارد و چنین آزادی اندکی در مخالفین نظام از جمله نهضت آزادی نیست به گونه‌ای که حتی حق دفاع از خودشان در بین مردم را ندارند به شدت معترض می‌گردند و در بیانیه‌ای اعلام می‌کنند:

۱. نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۴، انتخابات انحصاری و محرومیت ملت از مشارکت در آن، ص ۳.
۲. نهضت آزادی ایران، تیرماه ۱۳۶۲، همان، ص ۳.
۳. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، *امید و دل‌و‌پسی؛ کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۴*، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶-۲۰۵.
۴. همان، ص ۲۳۶.
۵. همان، ص ۲۰۶-۲۰۵.
۶. نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۴/۵/۲۲، پیام امتنان و امید.

در انتخابات گذشته حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی ما از بین رفت که امیدواریم مردم از سرخوردگی و یأس بیرون آمده برای استیفای حقوق خود و نجات مملکت قیام قانونی نمایند.^۱

این تشکل تنها راه نجات از مشکلات را در حاکمیت مردم می‌داند که سلب شده است و معتقد است انتخابات آزاد، در حکم رفراندومی خواهد بود که تکلیف ملت و دولت را روشن می‌سازد و ابهام و اختلاف در مورد اینکه خواست اکثریت ملت در کدام سمت است و متصدیان و مسئولین چه خطی باید پیش بگیرند را حل خواهد کرد. در این باره می‌گوید:

اجرای قانون تنها با تأمین آزادی‌های مشروع امکان‌پذیر است. اگر چنین شرایطی برای همه گروه‌ها و افراد ملت، تحقق و تأمین نگردد چنین انتخاباتی ارزش و اعتبار ندارد و به منزله پایمال کردن اصول حاکمیت ملی و مخالفت با فرمان «تؤدوا الأمانات إلی أهلها» می‌باشد.^۲ این جبهه‌گیری‌ها در زمانی رخ می‌دهد که امام خمینی (ره)، حیات ملت ایران در صحنه سیاست جهانی را مستقیماً به مشارکت فعال مردم در انتخابات ریاست جمهوری مرتبط می‌داند و انتخابات ریاست جمهوری را مسئله اسلام می‌خواند^۳ و می‌فرماید: اگر بخواهید در مقابل دنیا اظهار حیات بکنید باید در انتخابات ریاست جمهوری مشارکت کنید.^۴

اما این طیف، همراه با دیگر دشمنان اسلام که به خوبی درک کرده بودند حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری به معنای رأی دادن مجدد به انقلاب اسلامی است، برای کمرنگ کردن این حضور در صحنه انتخابات، مجبور شدند آزادی در انتخابات را زیر سؤال برده تا اسباب دل‌سردی مردم فراهم گردد و باعث شود حداقل تعداد کمی به پای صندوق‌های رأی بیایند و از این طریق کاهش استقبال مردم از انتخابات ریاست جمهوری را به معنای کاهش محبوبیت انقلاب تعبیر کنند.

۳. انتخابات مجلس سوم

نهضت آزادی در آستانه انتخابات دوره سوم مجلس در اقدامی متهورانه نامه‌ای در

۱. نهضت آزادی ایران، تیرماه ۱۳۶۴، نامه‌ای به رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پیرامون انتخابات ریاست جمهوری، ص ۵.

۲. همان، ص ۲.

۳. جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۵/۱۰، «اعلام حیات اسلام در صحنه سیاست جهانی»، ش ۱۷۸۸.

۴. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۲۸.





تاریخ ۱۳۶۷/۱/۱۸ به شورای نگهبان می‌نویسد؛ در این نامه اجازه شرکت همه گروه‌ها و افراد را در انتخابات می‌خواهد؛ همچنین از دولت نیز آزادی را که ادای امانت است می‌طلبد و می‌نویسد: «ادای امانت در ایجاد امنیت لازمه شرکت همه افراد در انتخابات است؛ تا مردم بتوانند آگاهانه انتخاب نمایند». همچنین خواستار شدند مطبوعات و رسانه‌های گروهی حالت انحصاری نداشته باشند و حق تبلیغات به طور یکسان برای موافق و مخالف برقرار گردد.^۱

این تشکل با تبلیغات مسموم برای به چالش کشاندن نظام می‌گوید که در دومین دوره از انتخابات مجلس، دولت ایفای امنیت نکرده است و از مخالفین خود، آزادی و امنیت را منع نموده، به این جهت نهضت آزادی از مشارکت در انتخابات و معرفی کاندیدا خودداری کرده و مشروعیت چنین مجلسی را رد می‌نماید. در ضمن متولیان انقلاب و نظام در انتخابات سومین دوره مجلس از وعده آزادی و امنیت انتخابات، خود را بی‌نیاز می‌دانند و تنها به شعار انتخابات سالم اکتفا کرده‌اند. حتی در مصاحبه‌هایشان تصمیم قطعی خود را در عقب انداختن قانون احزاب و جلوگیری از مشارکت آنها در انتخابات را بیان داشته‌اند. ^۲ نهضت آزادی چنین دروغ‌پردازی‌ها و توهماتی را در امر انتخابات، بهانه‌ای برای ترویج افکار لیبرالیستی خود قرار داده تا از این طریق آنچه را اعتقاد دارند برای ترویج در افکار عمومی جامعه ایران به کرسی بنشانند. به این جهت انتخابات را ناسالم و غیر قانونی می‌دانند و آن را تحریم می‌کنند.

نهضت آزادی می‌گوید با توجه به اینکه انتخابات، انحصار حاکمیت گشته، این گروه در انتخابات شرکت نمی‌کند. همچنین مردم را دعوت می‌نماید که به خاطر حفظ مصالح مملکت، ملت و ارزش‌های انسانی - اسلامی در انتخابات شرکت نکنند.^۳

نهضت آزادی برای عملی کردن توطئه خود در این انتخابات از خبرنگاران و رسانه‌های داخلی و خارجی دعوت به عمل آورده تا با فضای ایجاد شده توسط رسانه‌ها، نظام را دچار بحران سازد؛ اما زمانی که مسئولین مانع چنین مصاحبه‌ای می‌شوند این جریان بهانه خود را در تحریم انتخابات به دست می‌آورد و بیان می‌کند نهضت آزادی به منظور طرح نظریات و خواسته‌های مربوط به انتخابات، از خبرنگاران داخلی و خارجی دعوت به عمل آورد تا مصاحبه مطبوعاتی نماید.^۴ نهضت آزادی لغو این مصاحبه مطبوعاتی را

۱. نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۶/۱۲/۲۴، همان، ص ۳-۴.

۲. همان، ص ۴.

۳. همان، ص ۵.

۴. همان.

دلیلی بر انحصاری بودن انتخابات می‌داند و مدعی می‌شود آزادی در انتخابات نیست و حکم به تحریم انتخابات این دوره می‌دهد.

بررسی رخدادهای دهه ۱۳۶۰ به خوبی نشان می‌دهد که مسئله انتخابات از جمله سوژه‌های ثابت نهضت آزادی است تا موضوعاتی را که همواره مدنظر خود قرار داده را بیان نماید و نشان دهد فراهم نبودن شرایط مناسب سیاسی به منظور توجیه شرکت نکردن در انتخابات، استمرار بخشیدن به حضور خود در مجامع خارجی و جریانات مخالف انقلاب، حفظ هواداران و جذب افراد جدید و بالاخره تبلیغ روی موقعیت نامناسب دموکراسی در جمهوری اسلامی، عمده‌ترین اهداف نهضت است. در این راستا این جریان همواره تلاش نموده چهره‌ای ناموفق از نظام ترسیم نماید و با بزرگ نمودن برخی کاستی‌ها و مشکلات کشور در صدد احیای تفکرات خود باشند که تمام این امور در چهارچوب سیاست‌های کلی ضد انقلاب بوده و زمینه خوش آیند استکبار را همواره فراهم نموده است. نهضت با سوژه تراشی‌های کاذب می‌خواهد اثبات کند بحران سیاسی در کشور وجود دارد.^۱

ب. عملکرد نهضت آزادی در انتخابات در دهه دوم پس از پیروزی انقلاب

آغاز دهه ۱۳۷۰ متأثر از دو رخداد بزرگ (رحلت امام خمینی(ره) و پایان یافتن جنگ تحمیلی) بود با روی کار آمدن دولت آقای هاشمی رفسنجانی، فضای سیاسی جدیدی در ایران رقم خورد. نهضت آزادی نیز در این فضا فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی خود را با استراتژی جدیدی دنبال نمود که نتایج چنین فعالیت‌هایی در مجلس پنجم و ششم نمایان شد.

۱. انتخابات مجلس پنجم

جریان‌های لیبرال به رهبری نهضت آزادی در انتخابات مجلس پنجم فعالیت گسترده‌ای را برای نفوذ در محافل فرهنگی اتخاذ نمودند و تمام تلاششان در جهت گرفتن امتیاز نشریه‌ای برای ایجاد فضای تبلیغاتی بر ضد نظام جمهوری اسلامی بود تا بتوانند به وسیله آن اندیشه سکولاریسم خود را بر فضای جامعه حاکم نمایند. به این جهت ابراهیم یزدی در دی‌ماه ۱۳۷۴ تصریح کرد:

انتخابات مجلس پنجم یک نقطه عطف بوده و ما به آن به عنوان یک

۱. رویدادها و تحلیل‌ها، ۱۳۷۰/۱۲/۲۸، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ش ۸۰، ص ۲۸.



مبارزه علنی سیاسی نگاه می‌کنیم.^۱

همچنین غلام‌عباس توسلی از وابستگان به نهضت آزادی نیز تصریح کرد:

ما در این دوره به طور گسترده و غیر علنی فعال خواهیم بود. ما به طور رسمی، مشخص نخواهیم کرد که کاندیداهای ما چه کسانی هستند؛ اما به صورت خصوصی، دوستان و هواداران را در جریان قرار خواهیم داد و به این ترتیب، شورای نگهبان متوجه وابستگی کاندیداهای غیر مطرح ما نخواهد شد.^۲

در سال ۱۳۷۴ عطاءالله مهاجرانی معاون پارلمانی و حقوقی دولت «هاشمی رفسنجانی» و عضو مرکزی حزب کارگزاران، با وجود آگاهی از موضع امام خمینی مبنی بر عدم صلاحیت نهضت آزادی در کارهای دولتی و قانون‌گذاری، در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۷۴ بر شرکت نهضت آزادی در انتخابات مجلس تأکید می‌کند؛ که حکایت از نگاه پلورالیستی-لیبرالیستی جریان حاکم بر کشور داشت؛ متقابلاً دبیر کل نهضت آزادی نیز برای گردهمایی سالیانه حزب کارگزاران پیام مفصلی می‌فرستد و پس از سیاه‌نمایی‌های بسیار درباره جمهوری اسلامی و اعلام اینکه «ما در استبداد گرفتار هستیم و باید دست به دست هم بدهیم تا تمامیت خواهان و حزب پادگانی حاکم بر حکومت را به زیر کشیم»، از جریان کارگزاران می‌خواهد با احزاب اصلاح‌طلب دیگر همکاری نمایند و تصمیم مشترک اتخاذ نمایند؛^۳ که این ائتلاف در جهت مشارکت یک حزب مخالف نظام یا به قدرت رساندن یک حزب، در کشور نبود؛ بلکه ائتلاف، جهت برتری دادن یک تفکر و ایجاد اندیشه سکولاریسم و به تبع آن نوعی اسلام‌التقاطی در کشور بود.

جریان نهضت آزادی پس از جنگ تحمیلی تمام فعالیتش را جهت نفوذ در نظام جمهوری اسلامی معطوف نمود و این انتخابات روزنه‌ای شد تا بتوانند در انتخابات مجلس ششم افرادی که با افکار لیبرالی آنها نزدیک‌تر می‌باشند را بر کرسی‌های مجلس بنشانند و در انتخابات ریاست جمهوری آینده نیز تأثیر گذار باشند.

۲. هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

فعالیت نهضت آزادی در مجلس پنجم، فضایی را در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به وجود آورد که تا حدودی این جریان را امیدوار به تجدید حیات

۱. مرتضی قمری وفا، براندازی در سکوت: آسیب‌شناسی دوران گذار به جامعه مردم‌سالار دینی (۱۳۸۰-۱۳۶۸)، تهران، کیهان، ۱۳۸۰، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. کیهان، ۱۳۹۳/۱۰/۷، ش ۲۰۹۵۵.

در واقع اندیشه نهضت
آزادی در مقطع پس از
پیروزی انقلاب اسلامی،
بر دو محور متمرکز گردید:
الف: طرح جدایی دین از
سیاست که به صورت هسته
تئوریک آراء نهضت آزادی
قرار می گیرد؛ ب: ترویج
مفهوم آزادی لیبرالی تحت
عنوان کلی آزادی خواهی

سیاسی شان گرداند.
نهضت آزادی در اعلامیه‌ای دکتر یزدی (دبیر کل
نهضت) را برای انتخابات ریاست جمهوری معرفی
می کند. در این اطلاعیه آمده است به زودی سیاست‌ها،
مواضع و برنامه‌های ایشان در زمینه‌های سیاسی،
اعتقادی و مدیریت کشور به اطلاع مردم خواهد رسید.^۱
البته علی اکبر معین فر نیز از سوی این تشکل برای
نامزدی انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد.
قابل توجه است که ابراهیم یزدی و علی اکبر معین فر
در برگ ثبت نام کاندیداتوری ریاست جمهوری، عبارت

«اعتقاد به مبانی قانون اساسی و ولایت فقیه» را در فرم انتخاباتی خود خط زده و عبارت
«الترام» را جایگزین نموده‌اند و با ادبیاتی تهدیدآمیز بیان داشتند ما با ثبت ناممان بار
دیگر به حاکمان فرصت می دهیم برای رفع بحران‌های موجود، راه‌حلی بیندیشند.^۲
ابراهیم یزدی درباره خط زدن کلمه اعتقاد به قانون اساسی می گوید همه شهروندان
باید به قانون ملتزم باشند هر چند به آن اعتقاد نداشته باشند.^۳ که صریحاً به عدم اعتقاد
به ولایت فقیه اعتراف می کنند که برآمده از تفکر سکولاریسم در ایدئولوژی نهضت
آزادی است.

ستاد تبلیغاتی ابراهیم یزدی، در بیانیه‌ای اعلام نمود «توسعه سیاسی، اقتصادی و
فرهنگی کشور»، مهم ترین برنامه‌های این داوطلب است؛ و بیان کرده است توسعه
سیاسی از طریق نهادینه کردن دموکراسی با اجرای اصول فراموش شده قانون اساسی،
از قبیل اصل مربوط به آزادی احزاب، مطبوعات، شوراهای مردمی، استقلال انجمن‌ها،
سندیکاها و انجمن‌های صنفی و تخصصی، در رأس برنامه‌های ابراهیم یزدی است.^۴
با بررسی صلاحیت نامزدها، اعضای نهضت آزادی واجد صلاحیت تشخیص داده
نشدند. در مقابل، این جریان اعتراض خود را در مصاحبه با رادیوهای بیگانه در میان
گذاشت. ابراهیم یزدی در مصاحبه‌ای با رادیو فرانسه اعلام کرد امکانات تبلیغی و قدرت
در ایران انحصاری است که صدای اعتراض تمامی نامزدهای جناح‌های داخل حاکمیت

۱. همشهری، ۱۳۸۴/۲/۲۵، ش ۳۶۹۸.

۲. همان.

۳. همان.

۴. ابراهیم انصاری لاری، انتخاب هفتم (خرداد ۱۳۷۶ - خرداد ۱۳۷۵)، تهران، همشهری، ۱۳۷۶، ص ۳۲۵.



نیز بلند شده است.^۱

یدالله سحابی نیز به همراه ۸۷ تن از همفکرانش، جهت ایجاد تشنج در جامعه در بیانیه‌ای، از گروه‌های سیاسی، احزاب و مردم ایران خواست:

در جهت آزادسازی فضای حاکم بر جامعه، بیش از این، از حقوق قانونی خود اعراض نکنند و با سکوت و بی‌تفاوتی خود، عملاً محیط را برای متجاوزان به حقوق ملت باز نگذارند.^۲

پس از رد صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی، ابراهیم یزدی در زمانی که اکثر طیف‌ها برای حمایت خاتمی ائتلاف نمودند در بیانیه‌ای حمایت خود را از آقای خاتمی اعلام نمود.^۳ که نشان‌دهنده نوعی همفکری آقای خاتمی با این جریان محسوب می‌گردید. تحلیل‌گران سیاسی این حمایت را «بوسه مرگ» برای خاتمی دانسته‌اند چرا که حمایت نهضت آزادی از ایشان که به طرفداری از سیاست‌های فرهنگی باز شهرت داشت منجر می‌گردد به او برچسب لیبرال زده شود که نشانه‌ای از سکولار بودن و رد ولایت‌فقیه دارد.^۴

پس از پیروزی آقای خاتمی در انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری، تلاش گسترده نهضت آزادی برای بهره‌برداری از وجهه سیاسی آقای خاتمی و جبهه موسوم به دوم خرداد شدت گرفت و توانستند به وسیله عبدالله نوری «وزیر کشور» مجوز برای رسمیت پیدا کردن نهضت آزادی را به دست آورند؛ اما این عمل منجر به استیضاح وی گردید.^۵

فعالیت نهضت آزادی در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی، علیه نظام به حدی شدت گرفت که محمد سلامتی عضو مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اعلام کرد «نهضت آزادی ته‌فکرش این است که حکومت دیگری به وجود بیاورد». به این خاطر آنها را «غیر خودی» خواند و خواستار طرد آنها از جبهه دوم خرداد شد^۶ که نهایتاً در غائله دانشگاه تهران و آشوب‌های خیابانی تیرماه ۱۳۷۸ سازمان مجاهدین انقلاب در بیانیه‌ای حکم به اخراج نیروهای «غیر خودی» از جبهه موسوم به دوم خرداد صادر نمودند.^۷

۱. همان، ص ۱۶۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۰۸.

۴. همان، ص ۱۴۱.

۵. محمود فاضلی بیرجندی، *از مهدی بازرگان تا حسن روحانی: کابینه‌ها در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پایان، ۱۳۹۳، ص ۲۸۸.

۶. کیهان، ۱۳۷۸/۱۱/۴، ش ۱۶۷۱۴.

۷. کیهان، ۱۳۷۸/۷/۲۹، ش ۱۶۶۳۹.

حکومت دمکراتیک دینی مطلوب
نهضت آزادی بر مبنای عقل جمعی
بشر و فهم سیال از دین و تکیه بر
حقوق بشر شکل می‌گیرد که با
تمسک به دستاوردهای علمی غرب
بر آن پای فشاری می‌کردند؛ چراکه
حاوی مبنایی سکولار خویش،
یعنی تز جدایی دین از سیاست
و اسلام منهای روحانیت بود؛ که
علتی جز تأثیر پذیری و توشه‌گیری
زاندالوصف و بادوام این جریان از
آموزه‌های تمدن غرب نداشت

نهضت آزادی در دوران ریاست جمهوری آقای
خاتمی به خاطر حمایتی که از این دولت داشت
چهره دوگانه‌ای را از خود به نمایش گذاشت.
چراکه هم ژست اپوزیسیونی می‌گرفت و به
انتقاد از حاکمیت می‌پرداخت و هم سهمی در
حاکمیت داشت که می‌توانست در مجموع
سیاست‌های حکومتی و اجرایی به نوعی دخالت
کند به گونه‌ای که بسیاری از مصوبات مجلس
ششم با مشاوره گروه‌های اپوزیسیون نهایی
می‌شد.^۱

۳. انتخابات مجلس ششم

تفکر مبتنی بر تخریب بنیان‌های دینی در جامعه و سپس تغییر نظام جمهوری
اسلامی، اشتباه استراتژیک اصلاح‌طلبان لیبرال به خصوص نهضت آزادی بود. این جریان
پیروزی در انتخابات ششم را گامی برای رسیدن به قدرت، حذف رقیبان و نهادینه کردن
اندیشه لیبرالیستی خود می‌دانست؛ اما رفتار سیاسی و اجتماعی آنها در مجلس ششم
چهره واقعی‌شان را نمایان ساخت که باعث شد علاوه بر تحلیل رفتن پشتوانه مردمی
این جریان، طرفداران نظام را به مقابله جدی‌تر با خود تحریک نمایند. در واقع «اگر
اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس ششم همچون شکار چپانی بودند که هدفشان یک
شکار بزرگ بود»،^۲ با ایجاد جبهه‌ای از نیروهای انقلابی علیه آنها ممکن نبود بتوانند از
شکار شدن سالم بمانند.

انتخابات مجلس ششم افزون بر آنکه زمینه رسیدن افراد وابسته به نهضت آزادی در
ارکان حکومت را سهل و آسان نموده بود فرصت استثنایی، برای تسویه حساب با برخی
دوستان و رقیبانشان نیز محسوب می‌گردید. این جریان در ائتلاف با جریان دوم خرداد،
شروع به قدرت‌نمایی و چنگ و دندان نشان دادن به رقبای خود و به تخریب گسترده
چهره آقای رفسنجانی که شرکت ایشان در انتخابات ششم قطعی شده بود کردند. اکبر
گنجی در روزنامه صبح/امروز در مطلبی با عنوان «عالی جناب سرخ‌پوش»، عملاً به بهانه

۱. سید نظام‌الدین موسوی، انتخابات نهم ریاست جمهوری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۴۳.
۲. محمدحسین غیاثی، «ستیز برای زیستن»، آفتاب، س ۳، ش ۳۰، آبان ۱۳۸۲، ص ۱۹.



فعالیت نهضت آزادی در دوران ریاست جمهوری خاتمی، علیه نظام به حدی شدت گرفت که محمد سلامتی عضو مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اعلام کرد «نهضت آزادی ته فکرش این است که حکومت دیگری به وجود بیاورد.»

نقد و تحلیل دوره ریاست جمهوری رفسنجانی به هجمه و حمله علیه ایشان پرداخت.^۱ نهضت آزادی در این دوره از انتخابات مجلس، تمرکز خود را بر شعار «ایران برای همه ایرانیان» قرار داد که انگیزه‌اش همبستگی مواضع جریان اپوزیسیون داخلی و خارج کشور بود.^۲ این جریان معتقد بود برای تحقق اصلاحات ریشه‌ای در برابر طیف‌ها و افراد پیرو نظام، نیازمند پشتیبانی همه‌جانبه و هدفمند همه اپوزیسیون، به ویژه ملی-مذهبی‌ها می‌باشد. به این خاطر تاکتیک گسترش «چتر دموکراتیک» را آغاز کردند؛ اگرچه پس از انتخابات مجلس ششم با شعارهای حقوق بشر و ایران‌مداری مورد تأکید بیشتری قرار گرفت^۳ تا بتوانند در پوشش چنین رفتاری اندیشه لیبرالی خود را ترویج نمایند.

مجلس ششم که متشکل از افراد لیبرال بود به مجلس اصلاحات مشهور شد؛ البته به خاطر اجرای موضوعاتی همچون اصلاح قانون مطبوعات، انتخابات، انحلال دادگاه‌های ویژه روحانیت، حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان، تأمین آزادی مخالفان نظام و برخوردار کردن آنها از حقوق قانونی، برنامه‌ریزی و... بود تا به فتح سنگر به سنگر نظام بپردازند. درست همان برنامه‌هایی که ابراهیم یزدی در تبلیغات انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری مطرح نمود. این اصلاحات علاوه بر مقاومت همه‌جانبه جناح مقابل، سبب شد تا بخش‌هایی از گروه‌ها و افراد داخل جناح دوم خرداد که نمی‌توانستند آن را بپذیرند در مجلس و دولت در برابر تندروی افراد وابسته به نهضت آزادی بایستند.^۴ نهضت آزادی پس از طرح مباحث جنجالی در مجلس ششم عزم خود را بر کناره‌گیری و استعفای خاتمی گذاشت تا از این طریق نظام را با چالش جدی و اساسی مواجه سازد. انگیزه اصلی نهضت آزادی در این مقطع، افزون بر کشاندن مردم به صحنه اجتماعی و ایجاد ناامنی در کشور، ائتلاف میان مخالفان داخلی و خارجی نیز بود. آنها به زعم خویش بر این باور بودند در چنین شرایطی نظام با بحران مشروعیت روبه‌رو می‌گردد

۱. جهاندار امیری، *اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب و پدرخوانده‌ها*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵.

۲. مصطفی تاج‌زاده، «اصلاحات نیمه‌تمام»، *آفتاب*، همان، ص ۵.

۳. عزت‌الله سبحانی، «انتخابات مجلس؛ تحریم یا مشارکت فعال»، همان، ص ۱.

۴. علیرضا علوی تبار، «به سوی آینده»، همان، ش ۲۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۴.

و چنانچه این بحران با حمایت محافل بین‌المللی همراه گردد نظام برای جلوگیری از فروپاشی مجبور خواهد شد مجدداً این طیف را با اقتدار بیشتری بپذیرد و آنها را در قدرت سهیم نماید.^۱ اما با عدم قبول این پیشنهاد توسط آقای خاتمی طرح «عبور از خاتمی» را مطرح نمودند. این گونه اقدامات نشان از تفکر غرب‌گرایانه نهضت آزادی می‌دهد که با الهام از اندیشه لیبرالیسم و سکولاریسم در نفی حکومت اسلامی از هیچ عملی ابائی ندارند؛ حتی از نابودی افرادی که در اجرای اندیشه‌های نهضت آزادی کوتاهی نکرده‌اند.

۴. انتخابات مجلس هفتم

در انتخابات مجلس هفتم این جریان همراه با مؤتلفانش خواهان عدم اجرای انتخابات توسط دولت شدند؛ زیرا می‌دانستند برگزاری انتخابات، زدن آخرین میخ به تابوت اصلاح‌طلبان تلقی می‌گردد. چراکه این جریان پس از عدم همراهی رئیس‌جمهور در استعفا دادن، وی را تمام‌شده معرفی کردند.

در حقیقت نهضت آزادی با تمام نیروهای وابسته‌اش، با بن‌بست مواجه شد؛ و شرایط به‌گونه‌ای رقم خورد که برگرداندن اعتماد مردم تقریباً غیر ممکن شده بود و در مورد انتخابات مجلس هفتم نیز بین آنها در اتخاذ رویکرد تحریم یا مشارکت در انتخابات، شکاف اساسی به وجود آمد و از خواست عمومی مردم عاجز شده بودند.^۲ نهضت آزادی در دوره‌های بعد مجلس نیز نتوانست تأثیر چشم‌گیری داشته باشد. هر چند که افراد معدودی به مجلس راه یافتند؛ اما وقایع مجلس کاملاً برخلاف خواسته‌های نهضت آزادی رقم می‌خورد.

ج. عملکرد نهضت آزادی در دهه سوم پس از انقلاب

۱. انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری

نهضت آزادی همانند سایر انتخابات برای بهره‌برداری از فضای انتخاباتی، جهت پیشبرد اهدافش، در انتخابات مجلس سال ۱۳۸۲ و سپس در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ ثبت‌نام کرد. حاج‌بخشی و ابراهیم یزدی در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری از طرف نهضت آزادی معرفی شدند.^۳ اگرچه فرمان‌آکیدامام در پاسخ به نامه وزیر کشور در سال ۱۳۶۶ مبنی بر فقدان صلاحیت اعضای گروه نهضت آزادی، برای

۱. رضا فانی یزدی، «استعفای خاتمی و پیامدهای آن»، همان، ش ۲۷، تیر ۱۳۸۲، ص ۶.

۲. همان، «انتخابات مجلس هفتم؛ مشارکت یا عدم شرکت»، *افتاب*، ش ۳، ۳۰، آبان ۱۳۸۲، ص ۲۸.

۳. ربابه باستانی، *سوم‌تیز: واکنش به نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری*، تهران، اساتید قلم، ۱۳۸۴، ص ۱۹۳.



نهضت آزادی پس از طرح مباحث جنبجالی در مجلس ششم عزم خود را بر کناره‌گیری و استعفا‌ی خاتمی گذاشت تا از این طریق نظام را با چالش جدی و اساسی مواجه سازد. انگیزه اصلی نهضت آزادی در این مقطع، افزون بر کساندن مردم به صحنه اجتماعی و ایجاد ناامنی در کشور، ائتلاف میان مخالفان داخلی و خارجی نظام نیز بود

تصدی مسئولیت‌های کشوری در تمامی حوزه‌های اجرایی، قضایی و تقنینی، صراحت داشت؛ و کاملاً مشخص بود ابراهیم یزدی از سوی شورای نگهبان، صلاحیتش احراز نخواهد شد؛ اما یزدی طی کنفرانس مطبوعاتی در اوایل اردیبهشت تمایل خود را برای ورود به عرصه انتخابات رسماً اعلام نمود؛ تا بتوانند طبق روال معمول در لوای بحث کاندیداتوری اتهامات رایج خود علیه نظام و ارکان آن را مطرح و اندیشه لیبرالی خود را ترویج نمایند.^۱ نهضت آزادی در این دوره از انتخابات، یکی از شرایط حضور کاندیداهای خود را استعفا‌ی اعضای

فعلی شورای نگهبان به علت عدول آنها از عدالت، بیان کرد.^۲

پس از رد صلاحیت اعضای نهضت آزادی، این جریان بحثی را به وسیله دکتر معین جهت تردید در صدور حکم حضرت امام علیه نهضت آزادی به راه انداختند؛ و بیان داشتند بر فرض صحت از نوشتن نامه توسط امام، باید توجه داشت حدود دو دهه از زمان صدور این نامه می‌گذرد که با استناد به این نامه نمی‌توان کشور را از توان فکری و مدیریتی این نیروها محروم ساخت.^۳

نهضت آزادی با این بیانات دکتر معین حمایت خود را از ایشان احراز نمودند که در عوض دکتر معین نیز ایجاد «جبهه دموکراسی خواهی و حقوق بشر» را به این جریان و سایر جریانات اپوزیسیون مانند حزب توده وعده داد.^۴ ابراهیم یزدی و عزت‌الله سبحانی چون دیدند دکتر معین با اجرای دیدگاه‌ها و نظریات لیبرالی این طیف در دولت آینده موافق است در اطلاعیه‌ای مشترک حمایت خود را از کاندیداتوری دکتر معین اعلام نمودند.^۵

با بررسی صلاحیت نامزدها، دکتر معین رد صلاحیت شد. نهضت آزادی رد صلاحیت ایشان را بهانه‌ای جهت تخریب نظام قرار داد؛ اما در نهایت به وسیله حکم حکومتی رهبر

۱. سید نظام‌الدین موسوی، همان، ص ۲۱۳.

۲. همان، ص ۴۴۶.

۳. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۴/۱/۲۴.

۴. سید نظام‌الدین موسوی، همان، ص ۴۹۷.

۵. نهضت آزادی ایران، ۱۳۸۳/۱۲/۱۸، بیانیه ۱۹۰۸.

معظم انقلاب به دکتر معین اجازه ورود در انتخابات داده شد که نشان از تمایل مشارکت و حضور حداکثری نظام جمهوری اسلامی می‌داد.^۱

پس از برگزاری انتخابات و کشیده شدن انتخابات به دور دوم، رقابت میان هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد به وجود آمد. نهضت آزادی که در دوره‌های قبل، آقای هاشمی را مورد حمله‌های خود قرار می‌داد؛ این بار با صدور بیانیه‌ای ضمن دعوت از مردم برای شرکت در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری، به حمایت از هاشمی رفسنجانی پرداخت و تأکید نمود:

با توجه به خطر سهمناک تقویت استبداد و بسته شدن جامعه، به هیچ روی نباید این قلمرو باقی مانده از قدرت را همانند شوراها و مجلس به فریب تحریم یا سراب قهر به رایگان، باخت؛ و عملاً برای کسانی که شلیک تیر خلاص بر شقیقه اصلاحات سیاسی و رکن جمهوریت نظام را لحظه شماری می‌کنند، فرش ریاست جمهوری گستراند.^۲

این جریان با شعار بازگشت به روزهای نخستین انقلاب، از آقای هاشمی رفسنجانی حمایت نمود و تنها راه برون رفت از افراط‌گری، رسیدن به اعتدال و خردورزی و عقلانیت سیاسی را حمایت از آقای هاشمی دانست.^۳ چراکه برآورده شدن تمام اندیشه‌های موهوم به اصطلاح اصلاح طلبانه خود را در به قدرت رسیدن آقای هاشمی رفسنجانی می‌دیدند؛ البته این ائتلاف حاکی از وعده‌هایی نیز بود.

نهضت آزادی با تبلیغ پوستری از آقای هاشمی بدون عمامه ماهیت لیبرالی خود و تضاد علنی با روحانیت را نشان دادند. آنها حتی برای تبلیغات نیز حاضر نبودند از فردی در لباس روحانیت دفاع نمایند. این جریان با در دست داشتن پوستری از هاشمی رفسنجانی بدون عمامه و با این نوشته که «ما حامیان دکتر معین برای مقابله با اختناق و وحشت به هاشمی رأی می‌دهیم» سعی در ممانعت از بازگشت آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام، توسط جناح مقابل نمودند.^۴ اما در این انتخابات با روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد هر آنچه در صدد کسب آن بودند را از دست دادند.

نهضت آزادی در طول استقرار دولت نهم هم‌نوا با جریان اپوزیسیون خارج از کشور اقدام به نقدهای غیر منصفانه علیه دولت نموده و زمینه‌های پیشروی خود را برای به

۱. خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۴/۳/۲.

۲. سید نظام‌الدین موسوی، همان، ص ۶۶۵.

۳. همان.

۴. مؤسسه تاریخ وقایع انتخابات ۱۳۸۸، تهران، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۰۰.



دست آوردن برخی مناصب در قالب حمایت از کاندیداهای اصلاح طلب در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری فراهم کردند.^۱

۲. انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری متأثر از حضور آقای میر حسین موسوی بود. ایشان در سال ۱۳۷۶ نیز شایعاتی در مورد کاندیداتوری شان وجود داشت؛ اما تمایلی به آمدن نداشت. همچنین در سال ۱۳۸۴ نیز زمزمه‌هایی از سوی مجمع روحانیون از آمدن وی برای انتخابات ریاست جمهوری به گوش می‌رسید. سران نهضت آزادی در پاسخ به سؤال خبرنگاران که آیا از میر حسین موسوی حمایت می‌کنند یا نه؟ ضمن طفره رفتن از پاسخ، بیان داشتند وی علاقه‌ای به حضور در انتخابات ندارد؛ و به نوعی استقبالی سرد از حضور میر حسین در انتخابات به نمایش گذاشتند؛ البته به خاطر مبارزات ایشان در دهه شصت علیه لیبرالیسم و تکیه وی بر همین مواضع در حوادث تیر ۱۳۷۸، این جریان تمایلی بر حمایت ایشان در انتخابات ۱۳۸۴ نداشت. مگر آنکه همانند برخی از استحاله‌شدگان خط امام، از دیدگاه‌های سابق خود دست بردارد.^۲

در انتخابات ۱۳۸۸ این استحاله صورت گرفت و نهضت آزادی از میر حسین موسوی حمایت نمود و جلسات محرمانه با ایشان برگزار کرد.^۳ این در حالی است که طیفی از نیروهای مذهبی از ایشان چهره‌ای اصول‌گرا و انقلابی و پایبند به راه امام در ذهن خود ترسیم کرده بودند.^۴

نهضت آزادی در این انتخابات، استراتژی خاصی را مهندسی کرد که سه شاخه داشت. عده‌ای از میر حسین موسوی حمایت کردند. میر حسین نیز که دست خود را به روی همه احزاب دراز کرده بود به دفاع از آنان پرداخت؛ و بدون توجه به سوابق نهضت آزادی و نادیده گرفتن سخنان حضرت امام نسبت به آنان، بارها از نهضت آزادی دفاع و برابر منتقدان ایستادگی کرد.

در حالی که دانشجویان به تعامل پنهان میر حسین با نهضت آزادی اعتراض می‌کردند، ایشان در پاسخ یکی از دانشجویان در مورد ارتباطش با نهضت آزادی، از دوران دوستی خود با این گروه در قبل از انقلاب سخن گفت و طرد این گروه توسط امام را تنها به خاطر

۱. همان.

۲. خبرگزاری ایلنا، ۱۳۸۴/۵/۴.

۳. نهضت آزادی ایران، ۱۳۸۸/۲/۲۹، بیانیه شماره ۲۱۰۴.

۴. کیهان، ۱۳۸۸/۱/۳۰، ش ۱۹۳۳۹.

آنچه نهضت آزادی با بیانیه‌های خود بر آن تأکید نمود، تلاش به منظور انحصاری دانستن انتخابات، ترسیم چهره ناموفقی از نظام و بزرگ نمودن برخی از کاستی‌ها و مشکلات موجود کشور بود؛ انگیزه اصلی نهضت آزادی از این سوژه تراشی‌های کاذب، ایجاد بحران سیاسی در کشور بود که این گونه رفتار سیاسی آنها تغذیه برای رسانه‌های بیگانه قرار گرفت

مشی سیاسی دانست که اگر اصلاح‌گردند می‌توان با آنها فعالیت داشت.^۱

میرحسین در دیدار با نمایندگان برخی از احزاب، از سران نهضت آزادی، مانند غلام‌عباس توسلی و محمد بسته‌نگار دعوت به همراهی می‌کند.^۲ همچنین در برگزاری میتینگ انتخاباتی‌اش در برج میلاد از سران نهضت آزادی دعوت نمود؛ که این میتینگ به محلی برای زیر سؤال بردن نظام، اسلام و اهانت به دولت نهم تبدیل شد.^۳

نهضت آزادی در این انتخابات علاوه بر ارتباط برقرار کردن با میرحسین موسوی نیم‌نگاهی به دیگر

کاندیدای نزدیک به جریان فکری خود یعنی مهدی کروبی نیز داشت. ابراهیم یزدی و سران این جریان طی ملاقاتی با رئیس ستاد کروبی (غلامحسین کرباسچی)، دغدغه خود را از مسائل داخلی و خارجی بیان داشته و سپس مسئله صیانت از آرای مردم در انتخابات ریاست جمهوری دهم را مطرح نمودند.^۴

تقی رحمانی عضو شورای نهضت آزادی می‌گوید از نظر من رأی دادن به موسوی یا کروبی تفاوت چندانی ندارد و مهم جلوگیری از ادامه روند ریاست جمهوری احمدی‌نژاد است. ایشان گفت:

صحبت‌های میرحسین توهمی است و امکان مطالبه اهداف با چنین بیاناتی وجود ندارد. باید یک نیروی شجاع برای جلوگیری از فشار اجتماعی و سیاسی به قدرت برسد و ریاست جمهوری مهدی کروبی در شرایط فعلی مناسب‌تر است.^۵

ملاقات سران نهضت آزادی با مشاوران عالی کروبی از جمله کرباسچی و مسئولان ستاد میرحسین تا روز برگزاری انتخابات ادامه داشت.^۶ تا اگر یکی از این دو نامزد انتخاباتی پیروز شد بتوانند بهره لازم را از نظام آینده ببرند؛ و در صورت شکست نیز

۱. همان، ۱۳۸۸/۲/۱، ش ۱۹۳۴۱.

۲. همان، ۱۳۸۸/۲/۵، ش ۱۹۳۴۴.

۳. همان، ۱۳۸۸/۲/۱۲، ش ۱۹۳۵۰.

۴. همان، ۱۳۸۸/۲/۲۲، ش ۱۹۳۵۹.

۵. همان، ۱۳۸۸/۲/۲۴، ش ۱۹۳۶۱.

۶. همان، ۱۳۸۸/۲/۲۶، ش ۱۹۳۶۲.



جبهه‌ای از نیروهای معترض را بسیج نمایند و بتوانند نظام را به چالش بکشانند. برخی از اعضای نهضت آزادی مانند امیر انتظام که شاخه سوم را تشکیل می‌دادند بر مواضع پیشین نهضت، یعنی تحریم انتخابات اصرار می‌ورزیدند و مدعی بودند چون انتخابات ریاست جمهوری انحصاری است مشروعیت ندارد؛ و فقط نامزدهایی حق شرکت در انتخابات را دارند که از سوی شورای نگهبان تأیید شده باشند.^۱ پس از برگزاری انتخابات و پیروزی احمدی‌نژاد، نهضت آزادی که در انتهای راه بود، دولت برآمده از انتخابات دهم را فاقد مشروعیت دانست؛ و به بهانه تقلب در انتخابات، به مخالفت آشکار با نظام روی آورد^۲ و در بیانیه‌ای اعلام نمود:

نتیجه انتخابات، بنابر دلایل و شواهد متعدد، از جمله گزارش کمیته صیانت از آراء، مبنی بر بیش از هزار مورد تخلف در سراسر کشور و نیز بر پایه اظهار نظر صریح کاندیداهای اصلاح طلب، قابل قبول نبوده و نمی‌توان به استناد آن، انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری را انتخابات سالم و منطبق با اصول قانون اساسی و استانداردهای جهانی دانست.^۳

نهضت آزادی همچنین در حمایت از موسوی همراه با اپوزیسیون خارج از کشور، تلاش بسیاری را برای اجرای کودتای مخملی در ایران انجام داد.^۴ در این راستا ابراهیم یزدی از «معین، خاتمی و موسوی» خواست تا محوریت ائتلاف اصلاح طلبان و اپوزیسیون را بر عهده بگیرند و رهبری واحدی ایجاد نمایند.^۵ و تأکید داشت اصلاح طلبان باید از خط قرمزهای نظام عبور نمایند. ایشان در توصیه به نامزدهای انتخاباتی می‌گوید:

ما باید به دنبال تغییر در ساختار حقیقی باشیم. دوستان اصلاح طلب اشتباه کردند از حاکمیت بیرون آمدند و باید راهی پیدا کنند که دوباره به حاکمیت برگردند. مشکل آنها این است که هنوز نتوانسته‌اند بر سر یک استراتژی واحد به توافق برسند. ما به جد معتقدیم نامزدهای اصلاح طلب باید بدانند، مشکل مملکت، هنگامی حل می‌شود که اینها دارای آن شهامت و شجاعت باشند که از بعضی خط قرمزها عبور کنند.^۶

۱. همان، ۱۳۸۸/۳/۶، ش ۱۹۳۷۲.

۲. نهضت آزادی ایران، ۱۳۸۸/۴/۲۴، بیانیه ۲۱۱۷.

۳. همان، ۱۳۸۸/۳/۲۴، بیانیه ۲۱۰۷.

۴. مؤسسه تاریخ وقایع انتخابات ۱۳۸۸، همان.

۵. کیهان، ۱۳۸۸/۴/۲۰، ش ۱۹۴۰۷.

۶. مؤسسه تاریخ وقایع انتخابات ۱۳۸۸، همان، ج ۲، ص ۶۲۵.

پیوند میرحسین با نهضت آزادی به منظور فشار آوردن بر نظام برای ایجاد مذاکره و به دست آوردن امتیاز یک اشتباه بزرگ تاریخی بود که با حضور مردم در نهم دی ماه ۱۳۸۸ منجر شد تا توطئه‌های این جریان با بن بست روبه‌رو شود و نتیجه‌ای جز مرگ سیاسی هر دو متحد نداشته باشد.^۱ در این دهه، نهضت آزادی با ناکامی از آنچه در صد بهره‌برداری از انتخابات بود مواجه شد.

نتیجه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران نظام مہیای برگزاری انتخابات جهت ایجاد قوای مقننه و مجریه شدند. نهضت آزادی که توهم گذر از جمهوری اسلامی را در ذهن می‌پروراند، برای پیشبرد اهدافش با ایجاد ائتلاف در انتخابات توانست در مقاطعی فراکسیون اقلیت در مجلس را به دست آورد.

تشکیل ائتلاف اپوزیسیون در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب، توسط نهضت آزادی در انتخابات، جهت ایجاد اتحاد نیروهای اپوزیسیون در برابر اهداف نظام جمهوری اسلامی شکل می‌گرفت؛ تا افزون بر ناتوان کردن نظام، بتوانند در صورت پیروزی از فضای به دست آمده نهایت بهره‌برداری را برای اجرای اهداف خود به کار گیرند.

نهضت آزادی در مجلس اول ضمن مخالفت با نحوه فرآیند نظام‌سازی پس از انقلاب اسلامی، دست به توطئه سمینار تأمین آزادی جهت تخریب و تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران زد و در نهایت در اعلامیه‌ای تحریم انتخابات را بیان داشت.

آنها در طول دهه اول پس از انقلاب اسلامی نه تنها انتخابات را انحصاری بلکه فضای حاکم بر کشور را نیز استبدادی دانستند و حکم به تحریم انتخابات نمودند و مردم را به قیام علیه نظام دعوت کردند که دستاوردی جز غیر قانونی دانستن فعالیت این تشکل نداشت.

در دهه دوم نهضت آزادی راهبرد نوینی در انتخابات، پیش گرفت و آن تلاش و سعی در جهت نفوذ در نظام، با به دست گرفتن ارکان حاکمیت بود. البته این جریان توانست به وسیله ائتلاف با گروه‌ها در مجلس پنجم و ششم راه یابد و در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز تأثیر بگذارد و فردی هم‌فکر با جریان خود انتخاب شود تا از این طریق بتوانند در اجرای برنامه‌های دولت دخالت نمایند.

نفوذ نهضت آزادی در مجلس ششم به گونه‌ای بود که مصوبات این دوره از مجلس

۱. کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۵، ش ۱۹۴۸۷.



با دخالت این جریان به تصویب می‌رسید. حتی این جریان طرح استعفای خاتمی را پی‌ریزی و دنبال نمودند که با مخالفت رئیس‌جمهور، طرح «عبور از خاتمی» را بیان کردند. با برگزاری مجلس هفتم قدرت نهضت آزادی در مجلس تحلیل رفت و با پایان یافتن دوران ریاست جمهوری خاتمی عملاً از صحنه خارج شدند.

نهضت آزادی در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، نخست از دکتر معین حمایت نمود و در دور دوم از هاشمی رفسنجانی پشتیبانی کرد. این جریان با سیاه‌نمایی و تخریب دولت نهم، فضا را مهیا نمود تا با ائتلاف میر حسین موسوی و کروبی بتوانند در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری عملاً نظام را به چالش بکشانند.

در دهه سوم نهضت آزادی چون به انتهای راه رسیده بود و نتوانست موفقیتی کسب کند با ادعای تقلب، انتخابات را غیر قانونی خواند در حالی که تمرکز اصلی آنها اتحاد جریان‌های مخالف در جهت براندازی نظام بود.

به طور کلی نهضت آزادی در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب با اینکه می‌دانست رد صلاحیت می‌شود در اکثر انتخابات کاندیداهایی معرفی نمود تا از فضای انتخاباتی، جهت زیر سؤال بردن و به چالش کشیدن نظام بهره‌برداری نمایند. آنچه نهضت آزادی با بیانیه‌های خود بر آن تأکید نمود، تلاش به منظور انحصاری دانستن انتخابات، ترسیم چهره ناموفقی از نظام و بزرگ نمودن برخی از کاستی‌ها و مشکلات موجود کشور بود؛ انگیزه اصلی نهضت آزادی از این سوژه تراشی‌های کاذب، ایجاد بحران سیاسی در کشور بود که این گونه رفتار سیاسی آنها تغذیه برای رسانه‌های بیگانه قرار گرفت.

شناخت این سه دهه از فعالیت نهضت آزادی در انتخابات گویای آن است که جریان لیبرال نمی‌تواند آرمان‌های اصیل انقلاب را برتابد و از هر تلاش و کوششی برای خدشه‌دار کردن نظام دریغ نمی‌ورزد.